



Transformation in the US Offshore Balancing and the Regional Rivalry between Iran and the GCC, 2001-2021

Naser Hadian^{1*} , Issa Adeli² 

¹ Corresponding Author: Assistant Professor, Department of International Relations, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran, Iran. Email: nhadian@ut.ac.ir

² MA in International Relations, Department of Political Science, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran, Iran. Email: isadeli@ut.ac.ir

Abstract

In contrast to the strategy of preponderance, the grand strategy of offshore balancing can be pursued to achieve the goals of isolation or hegemony. The U.S. foreign policy in the Middle East has been changing from preponderance to offshore balancing, which has occasionally (and erroneously) been interpreted as the US isolationist tendency to begin the total withdrawal of its forces from the Middle East, followed by the decline of its influence in the region. The authors investigate why and how George W. Bush (2001-2009), Barack Obama (2009-2017), and Donald Trump (2017-2021) followed a similar strategy of offshore balancing, despite all their differences. The study intends to answer the following research questions: 1. To what extent were the US foreign policy strategies and its actions in the Persian Gulf different during the presidencies of Bush, Obama, and Trump? 2. Why did the three presidents follow the same grand strategy, despite the apparent differences, particularly in their worldview, leadership style and personality traits? In the research hypothesis, it is postulated that even though the U.S. pursued the strategy of offshore balancing during the presidencies of Bush, Obama, and Trump, differences in personality, policy-making style, and security threat assessments of these presidents have had an impact on the transformation of the U.S. foreign policy in the region. With a qualitative approach, the method of events and historical data analysis is used to test the hypothesis. The U.S. policies and reactions to the recent events

***How to Cite:** Hadian, Nasser; and Issa Adeli. (2023, Summer) "Transformation in the US Offshore Balancing and the Regional Rivalry between Iran and the GCC, 2001-2021," *Faslnāmeḥ-ye siyāsat (Politics Quarterly)* 53, 2: 399-424, <DOI:1022059/JPQ.2023.364027.1008102>.

Manuscript received: 8 July 2023; final revision received: 19 August 2023; accepted: 13 September 2023, published online: 17 September 2023



© Authors retain the copyright. Publisher: University of Tehran Press.

such as the rivalries between Iran and the southern Persian Gulf countries, the political instability of Syria, Iraq and Lebanon, the great powers competition in the region are examined.

International relations scholars have different ideas regarding what the strategy of offshore balancing represents, and whether a given U.S. president is an offshore balancer or not. The present study views these differences as an indication of the variations of this strategy. First, one needs to present an inclusive definition of offshore balancing, and for such a definition, one needs to identify the common elements of the various definitions given by different scholars. Different policy goals and means of implementation of offshore balancing have been discussed, but most scholars agree on two points: First, offshore balancing emphasizes the use of naval and air forces, while ground forces should be used only in very special circumstances and on a temporary basis. Second, offshore balancing assigns roles to regional actors, whether allies or competitors which must contribute to the cost of collective defense in the region on the basis of a burden and responsibility sharing formula. Variation in offshore balancing occurs at different levels; for instance, between defensive versus offensive realism, between pursuing a more offshore presence versus a more favorable balance of power.

In conclusion, the authors argue that offshore balancing has been the U.S. grand strategy in the Persian Gulf since 2006, but its goals have changed in response to the need to react to different circumstances. In the last two years of Bush presidency, he was under pressure to find a balance of power arrangement that would end the war in Iraq, while achieving the hegemonic goal of democratization. The cost of upholding the current liberal global order and providing American security guarantees for US allies have adversely affected the prosperity of American people, who expect their politicians to give priority to the economic national interest. Because of the slowdown in the U.S. economy as a consequence of the 2008 financial crisis and military interventions in Afghanistan and Iraq, Obama followed the strategy of offshore balancing with the goal of reducing the costs of the U.S. foreign policy adventures, and finally ended up being more in favor of an 'offshore than balanced' strategy. During the Trump era, offshore balancing was more influenced by the idea of "make America great again," with its touch of realism. Bush had to deal with the security implications of the September 11 attacks, and acted on the basis of offensive realism and the logic of hegemonism. Obama sought isolationism based on defensive realism, while Trump returned to offensive realism.

Key Words: Grand Strategy, Hegemony, Offshore Balancing, Persian Gulf, U.S. Foreign Policy

Declaration of conflicting interests

The authors declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

Funding

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.



تحول در راهبرد ایالات متحده در موازنه‌گری از راه دور و رقابت‌های منطقه‌ای ایران و شورای همکاری خلیج فارس، ۲۰۰۱-۲۰۲۱

ناصر هادیان^۱، عیسی عادل^۲

^۱ نویسنده مسئول: استادیار، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: nhadian@ut.ac.ir
^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: isadeli@ut.ac.ir

چکیده

کلان‌راهبرد «موازنه از راه دور» یکی از راهبردهای بزرگ سیاست خارجی امریکاست که در نقطه مقابل راهبرد بزرگ «چیرگی» می‌تواند برای رسیدن به هدف انزوا یا برعکس حفظ هژمونی دنبال شود. اهداف اصلی کلان‌راهبرد «موازنه از راه دور» در سه دوره ریاست‌جمهوری جورج بوش، باراک اوباما و دونالد ترامپ دگرگون شد. هدف اصلی این پژوهش پاسخ‌دهی به دو پرسش زیر است: ۱. تا چه اندازه رفتار سیاست خارجی و اقدامات امریکا در خلیج‌فارس در دوران ریاست‌جمهوری بوش، اوباما و ترامپ متفاوت بودند؟ ۲. با وجود تفاوت‌هایی بین این سه رئیس‌جمهور، چرا رفتار سیاست خارجی و اقدام‌های امریکا در خلیج‌فارس بر پایه یک کلان‌راهبرد مشابه استوار بود؟ در فرضیه پژوهشی استدلال می‌شود که تفاوت‌هایی در ویژگی‌های شخصیتی، سبک سیاست‌گزینی و ارزیابی تهدیدهای امنیتی این سه رئیس‌جمهور بر دگرگونی سیاست خارجی امریکا تأثیر داشته‌اند، ولی هر سه آنها از راهبرد «موازنه از راه دور» به‌عنوان یکی از اشکال موازنه قوا پیروی کرده‌اند. برای آزمون این فرضیه، داده‌های گردآوری‌شده با رویکردی کیفی و با استفاده از روش تحلیل رویدادهای تاریخی بررسی می‌شوند. روشن می‌شود که اگرچه از ۲۰۰۶ «موازنه از راه دور» کلان‌راهبرد امریکا در خلیج‌فارس بوده، اهداف آن بر پایه شرایط مختلف دگرگون شده بود. بوش در دو سال پایانی ریاست‌جمهوری خود تحت تأثیر ناآرامی‌های عراق در پی ایجاد موازنه با هدف حفظ هژمونی بود. با هدف انزوا، اوباما این کلان‌راهبرد را برای کاهش هزینه دنبال کرد تا بتواند پیامدهای بحران مالی ۲۰۰۸ در اقتصاد امریکا را مدیریت کند. در دوره ترامپ این کلان‌راهبرد همراه با واقع‌گرایی از ایده «بازگشت عظمت امریکا» تأثیر پذیرفت.

واژه‌های کلیدی: خلیج‌فارس، سیاست خارجی امریکا، کلان‌راهبرد، موازنه از راه دور، هژمونی

* استناد: هادیان، ناصر؛ عیسی عادل. (۱۴۰۲). تابستان «تحول در راهبرد ایالات متحده در موازنه‌گری از راه دور و رقابت‌های منطقه‌ای ایران و شورای همکاری خلیج‌فارس، ۲۰۰۱-۲۰۲۱»، فصلنامه سیاست، ۵۳، ۲: ۳۹۹-۴۲۴.
<DOI:1022059/JPQ.2023.364027.1008102>

تاریخ دریافت: ۱۷ تیر ۱۴۰۲، تاریخ بازنگری: ۲۸ مرداد ۱۴۰۲، تاریخ تصویب: ۲۲ شهریور ۱۴۰۲، تاریخ انتشار: ۲۶ شهریور ۱۴۰۲



۱. مقدمه

کلان‌راهبرد^۱ بالاترین سطح راهبردی است که یک ملت-دولت درباره شیوه تولید امنیت برای خود برمی‌گزیند. راهبرد بزرگ بر تهدیدهای نظامی تمرکز دارد، چراکه تهدیدهای نظامی خطرناک‌ترین نوع تهدید امنیت ملی‌اند و مقابله با آنها پرهزینه‌تر خواهد بود (Posen, 2014: 1). بر این اساس می‌توان گفت موازنه از راه دور^۲ یک کلان‌راهبرد در سیاست خارجی ایالات متحده است که بیشتر در سه منطقه اروپا، خلیج فارس و شرق آسیا توصیه می‌شود. موازنه از راه دور نه انزواگر است و نه هژمونیک، بلکه می‌تواند برای هر دو هدف به‌کار رود. موازنه از راه دور به دلیل ماهیت تلفیقی خود امکان تفسیرهای متفاوتی را فراهم می‌کند (McKay, 2019: 536). رفتارها و اقدام‌های گوناگونی می‌تواند ذیل این کلان‌راهبرد به‌کار گرفته شود و اهداف مختلفی برای آن تعیین شود. اینکه در هر دوره چه اقدام‌ها و با چه اهدافی دنبال می‌شود، زمینه‌ساز تحول در راهبرد خواهد شد. مقاله حاضر با فرض پیوستگی کلان‌راهبرد امریکا در دو دهه مورد بررسی و مطالعه گسست‌ها در عملکردها و اهداف رهبران سیاست خارجی ایالات متحده می‌کوشد تا تحول در موازنه از راه دور را نشان دهد. پژوهش‌های انجام‌گرفته بیشتر تلاش دارند تا وجود یا نبود این کلان‌راهبرد را بررسی کنند. با توجه به اختلاف‌های عمیق در سیاست خارجی این سه رئیس‌جمهور، لازم است تا تحول در کاربست این کلان‌راهبرد به‌طور دقیق بررسی و مطالعه شود. از آنجایی که بر سر همه اصول و مؤلفه‌های این کلان‌راهبرد اجماع وجود ندارد، پژوهش حاضر بر اساس نوشته‌های کسانی چون کریستوفر لین، بری پوزن، استفان والت، جان مرشایمر و شماری دیگر از مطرح‌ترین نویسندگان این حوزه یک معیار حداقلی برای تعریفی موسع از این کلان‌راهبرد ارائه کرده و سپس تفاوت‌ها را در قالب تحول تفسیر می‌کند.

همان‌طور که گفته شد کلان‌راهبرد موازنه از راه دور می‌تواند به دنبال هدف انزوا یا برعکس هژمونی باشد. به همین دلیل نظریه‌پردازان مختلف بر سر اینکه کلان‌راهبرد امریکا در دوره‌ای خاص موازنه از راه دور بوده یا نه، اختلاف نظر دارند. برای نمونه کریستوفر لین^۳ و جان مرشایمر بر سر اینکه آیا کلان‌راهبرد امریکا در دوران جنگ سرد موازنه از راه دور بوده یا نه، اختلاف نظر دارند (Prifti, 2017: 42). کریستوفر لین برخلاف مرشایمر معتقد است که امریکا در طول جنگ سرد در پی موازنه از راه دور نبوده، بلکه به دنبال استقرار هژمونی بوده است (Layne, 2009: 11). در مقابل او، بلدر پریفیتی^۴ کلان‌راهبرد امریکا در خاورمیانه را همواره

1. Grand Strategy
2. Offshore Balancing
3. Christopher Layne
4. Bledar Prifti

موازنه از راه دور می‌داند (Prifti, 2017: 47-48). برخلاف پریفیتی، استیون والت، کلان‌راهبرد امریکا را تنها در دوره جنگ سرد موازنه از راه دور می‌داند و نه پس از آن (Walt, 2020). حال پرسش این است که آیا می‌توان این اختلاف‌ها را در قالب یک تحول در درون کلان‌راهبرد موازنه از راه دور توضیح داد، به‌جای آنکه آن را انحراف از راهبرد بدانیم؟ این موضوع، افزون‌بر جنبه نظری، از نظر عملی هم بااهمیت است، زیرا با توجه به اختلاف‌های عمیقی که در ظاهر میان بوش، اوباما، و ترامپ وجود دارد، وجود راهبردی واحد در مورد سه رئیس‌جمهور دور از ذهن به‌نظر می‌رسد. پاسخ به این پرسش برای درک سیاست خارجی ایالات متحده بسیار مهم است.

هدف اصلی این پژوهش یافتن پاسخ‌های مناسب دو پرسش زیر است: ۱. تا چه اندازه رفتار سیاست خارجی و اقدام‌های امریکا در خلیج‌فارس در دوران ریاست‌جمهوری بوش، اوباما و ترامپ متفاوت بودند؟ ۲. با وجود تفاوت‌هایی بین این سه رئیس‌جمهور، چرا رفتار سیاست خارجی و اقدام‌های امریکا در خلیج‌فارس بر پایه یک کلان‌راهبرد مشابه استوار بود؟ در فرضیه پژوهشی استدلال می‌شود که تفاوت‌هایی در ویژگی‌های شخصیتی، سبک سیاست‌گزینی و ارزیابی از تهدیدهای امنیتی رؤسای جمهور (کلینتون، بوش، اوباما و ترامپ) بر دگرگونی سیاست خارجی امریکا تأثیر داشته‌اند، ولی هر سه آنها از راهبرد «موازنه از راه دور» همچون یکی از اشکال موازنه قوا پیروی کرده‌اند. برای آزمون این فرضیه، داده‌های گردآوری‌شده با رویکردی کیفی و با استفاده از روش تحلیل رویدادها و شواهد تاریخی بررسی می‌شوند؛ برای این کار باید به سراغ داده‌های مرتبط با موازنه قدرت میان ایران و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج‌فارس رفت. از آنجایی که در منطقه شامات، در کشورهای مانند سوریه (پس از بهار عربی)، عراق و لبنان، دولت‌ها ضعیف‌اند، رقابت‌های منطقه‌ای کشورهای حاشیه خلیج‌فارس که دارای دولت‌های مرکزی قوی هستند، به منطقه شامات گسترش می‌یابد و این بر موازنه میان دو طرف تأثیر می‌گذارد. به همین دلیل، حوادث سیاسی آن کشورها و واکنش ایالات متحده به آنها هم بررسی خواهد شد. با تحلیل این رویدادها و مقایسه آنها روشن خواهد شد که آیا می‌توان سه رئیس‌جمهور ایالات متحده بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ را تابع یک کلان‌راهبرد واحد دانست یا نه. در ادامه، نخست در بخش مرور ادبیات، دیدگاه‌های نویسندگان اصلی موازنه از راه دور بررسی و نقاط مشترک آنها استخراج و در قالب یک تعریف عملیاتی ارائه می‌شود. در این قسمت شرایط اتخاذ این راهبرد و مؤلفه‌های آن را نشان خواهیم داد. پس از آن در بخش بعدی با بررسی عملکردها و رفتار خارجی ایالات متحده در دوره زمانی موردنظر به بررسی تحول در کاربرد این راهبرد خواهیم پرداخت.

۲. پیشینه پژوهش و چارچوب نظری

۲.۱. راهبردهای کلان سیاست خارجی امریکا

هیچ راهبرد بزرگ امریکا سراپا جدید نخواهد بود. سیاستگذاری هر رئیس‌جمهور تازه انتخاب‌شده هرگز از یک لوح سفید آغاز نمی‌شود، بنابراین همیشه می‌توان شباهت‌هایی را بین راهبردها و سیاست‌های یک دولت و پیشینیان آن مشاهده کرد. از سوی دیگر، از آنجایی که هر دولت با مشکلات جدیدی روبه‌رو خواهد شد و در شرایط منحصربه‌فردی عمل می‌کند، راهبرد سیاست خارجی رئیس‌جمهور جدید رونوشت همسان راهبرد پیشینیان آن نخواهد بود (Hemmer, 2015). اگر راهبرد کلان سازماندهی بلندمدت قدرت ملی برای تأمین امنیت یک کشور و هم‌پیمانش در نظام بین‌المللی باشد که بروز جنگ در آن امکان‌پذیر است، رویکرد و سیاست‌های امریکا برای حفظ امنیت ملی به‌طور چشمگیری پایدار بوده است. توانایی‌های نظامی امریکا به سیاستگذارانش این فرصت را می‌دهد که راهبرد بزرگ برتری^۱ را اتخاذ کنند. ابرقدرت بودن برای چندین دهه سبب شده است که واشنگتن از بازنگری در مفروض‌های اساسی و در نظر گرفتن گزینه‌های جایگزین دوری جوید. برخی سیاستمداران باور دارند که مفروض‌های زیربنایی راهبرد برتری درست است و دیگر راهبردهای کلان دارای ارزش بازبینی جدی نیستند (Porter, 2018: 45). این طرز فکر در بین برخی از تصمیم‌گیران آمریکایی به دشوار بودن تغییر کلان‌راهبرد امریکا منجر شده است. اگرچه دگرگونی امکان‌پذیر است، ولی تنها در شرایط تکان‌دهنده‌ای که پیش‌فرض‌ها را تضعیف کند، و رئیس‌جمهور را با وجود نیاز به تحمل هزینه‌های سیاسی، وادار به بازنگری در اولویت‌ها و راهبردها کند. برخی تحلیلگران بیان می‌کنند که امریکا باید جایگزین مناسبی برای کلان‌راهبرد کنونی برگزیند و نظام بین‌المللی چندقطبی را بپذیرد (Porter, 2018: 10). ارزیابی‌ها از تهدید^۲ طرفداران راهبرد خویش‌داری^۳ با ارزیابی‌های سیاستگذاران شکل‌دهنده به راهبرد کلان پساجنگ سرد امریکا تفاوت دارد. طرفداران خویش‌داری کمابیش برای حل‌وفصل تضاد منافع و تشویق سایر کشورها به حفظ قدرت نظامی برای دفاع از منافع حیاتی امریکا بیشتر بر دیپلماسی تأکید می‌کنند. فرضیه آنها این است که تغییر راهبرد بزرگ امریکا از برتری‌جویی به خویش‌داری سبب می‌شود که نیروهای نظامی کوچک‌تر، تعهدهای امنیتی و نیروهای مستقر در برون‌مرزها کمتر، و استفاده از نیروی نظامی محدودتر شوند. پیامدهای ویژه این راهبرد بزرگ در هر منطقه نسبت به میزان منافع امریکا و خطرپذیری چیرگی یک قدرت رقیب بر آن منطقه متفاوت خواهد بود. طرفداران خویش‌داری به دنبال رویکرد همکاری بیشتر با رقبای دشمنان کنونی

¹. Grand Strategy of Primacy

². Threat Assessments

³. Restraint

امریکا، مانند چین، روسیه و ایران هستند. اگرچه آنان باور دارند که پیدایش یک دولت قدرتمند در شرق آسیا، اروپا یا خلیج فارس منافع حیاتی امریکا را به خطر می‌اندازد، ولی نمی‌توانند به سیاستگذاران درباره چگونگی رویارویی با پیدایش چنین تهدیدی پیشنهاد عملی ارائه کنند و باید تجزیه و تحلیل بیشتری انجام دهند (Priebe and *et al.*, 2021).

ویژگی‌های شخصیتی، قدرت بیان و سیاست‌های رؤسای جمهور امریکا (کلینتون، بوش، اوباما و ترامپ) به سختی می‌توانست متفاوت تر آشکار شود. در مباحث مربوط به کلان‌راهبرد امریکا، دو دیدگاه متضاد مشاهده می‌شود: الف) کسانی که استمرار راهبردهای پساجنگ سیاست خارجی امریکا را در اولویت قرار می‌دهند؛ و ب) کسانی که از دگرگونی در این راهبردها طرفداری می‌کنند. نای استدلال می‌کند که کلان‌راهبرد امریکا بیشتر تداوم تا دگرگونی داشته است. رؤسای جمهور امریکا به سیاست‌های پیشینیان خود ادامه می‌دهند، مگر اینکه وادار شوند با مشکلات جدید دست‌وپنجه نرم کنند یا به تهدیدهای ناگهانی پیش‌بینی نشده جدی پاسخ دهند. دگرگونی پیروزمند و به کامیابی رسیده در تاریخ راهبرد کلان امریکا کمیاب بوده است (Nye, 2006: 148). با این حال، سبک مدیریت و سیاست‌گزینی رؤسای جمهور بر راهبرد کلان امریکا تأثیر گذاشته است، زیرا آنها تلاش کرده‌اند مردم خود را تشویق کنند که جهان‌بینی و سیاست دگرگون‌کننده^۱ آنها را بپذیرند (Nye, 2006: 145). شخصیت و مهارت‌های رهبریت هر رئیس‌جمهور نیز برای اتخاذ و اجرای یک سیاست دگرگون‌کننده متفاوت است. مهارت سیاسی، هنر یافتن ابزاری برای دستیابی به اهداف تعیین شده، خواه از راه چانه‌زنی و پذیراندن خواه با زورگویی پراهمیت است (Nye, 2006: 143). کیچن ادعا می‌کند که تفاوت چشمگیری در راهبرد کلان امریکا در چهار دوره ریاست‌جمهوری پساجنگ سرد مشاهده می‌شود. تفاوت بین دوران ریاست‌جمهوری کلینتون و بوش به این دلیل بود که سیاستگذاران در این دو دوره اهداف راهبردی متفاوتی داشتند، ولی تفاوت بین دوران ریاست‌جمهوری اوباما و ترامپ ماهیت ساختاری‌تری داشته و نشان‌دهنده محدودیت‌های بین‌المللی، تغییر نسلی و گرایش کمتر به مدیریت هژمونیک فعال بوده است (Kitchen, 2020).

۲.۲. کلان‌راهبرد موازنه از راه دور

موازنه از راه دور در چارچوب نظریه واقع‌گرایی^۲ و نظریه موازنه قوا^۳ متولد شد. نظریه موازنه قوا در روابط بین‌الملل بر این باور است که دولت‌ها برای تضمین بقای خود باید مانع تسلط یک دولت بر سایر دولت‌ها شوند، چراکه هر دولتی اگر بیش از اندازه قدرتمند شود، از

1. Transformational Policy
2. Realism
3. Balance of Power Theory

همسایگان ضعیف‌تر خود سوءاستفاده خواهد کرد. کگلی و بلانتن بیان می‌کنند که همین ادراک سبب می‌شود تا آنها در یک موضع دفاعی با یکدیگر متحد شوند. برخی واقع‌گرایان معتقدند که موازنه قوا باثبات‌تر از نظام بین‌الملل با یک بازیگر مسلط است، چراکه وقتی توازن قوا بین ائتلاف‌های رقیب وجود داشته باشد، رفتار تهاجمی دیگر سودآور نخواهد بود (Kegley and Blanton 2010: 503). به‌عنوان یکی از اشکال موازنه قوا، موازنه از راه دور از سوی کریستوفر لین در ۱۹۹۷ در مقابل راهبرد چیرگی^۱ معرفی شد (Layne, 1997). موازنه از راه دور در شاخه‌های مختلف واقع‌گرایی طرفدار دارد. دو تن از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان واقع‌گرایی تدافعی و تهاجمی^۲، استیون والت و جان مرشایمر، در مقاله‌ای خطوط کلی راهبرد موازنه از راه دور را شرح دادند و بیان کردند که موازنه از راه دور هم می‌تواند سلطه آمریکا بر نیمکره غربی را حفظ کند، هم جلوی پیدایش یک هژمون در سه منطقه اروپا، شمال شرق آسیا و خلیج فارس را بگیرد، و هم بودجه نظامی مورد نیاز را بسیار کاهش دهد. با این حال، چگونه هر سه این اهداف همزمان میسر می‌شوند؟ آن دو ادعا می‌کنند این اهداف در صورتی همزمان محقق خواهند شد که رسیدن به صلح و حقوق بشر، حتی جلوگیری از نسل‌کشی‌های هولناک از دستور کار سیاست خارجی آمریکا خارج شود (Mearsheimer and Walt, 2016: 73).

در تعریف لین، موازنه از راه دور یک راهبرد موازنه قوا و نه یک راهبرد چیرگی است. او معتقد است آمریکا در یک نظام چندقطبی در مقایسه با نظام تک‌قطبی امنیت بیشتری خواهد داشت، چراکه در نظام چندقطبی امکان تفویض نقش‌ها و تسهیم هزینه‌های تأمین امنیت بین‌الملل وجود دارد، ولی در نظام تک‌قطبی همه آنها بر دوش ایالات متحده خواهد بود. آمریکا پس از جنگ دوم جهانی با وجود تحولات بسیار در روابط بین‌الملل، تنها از یک کلان‌راهبرد چیرگی استفاده کرده است. این موضوع به‌ویژه پس از پایان جنگ سرد هزینه‌های غیرضروری بر آمریکا تحمیل کرده است. او توصیه می‌کند که آمریکا از اروپا، کره جنوبی و حتی ژاپن می‌تواند خارج شود (Layne, 1997: 112). بنابراین اینکه هدف از راهبرد موازنه از راه دور چیست، می‌تواند یک عامل تحول در آن باشد. گرچه یک هدف در میان همه نویسندگان مشترک است و آن کاهش هزینه است. برای نمونه افزون‌بر لین، مرشایمر هم معتقد است برای حفظ برتری آمریکا استفاده از موازنه از راه دور کم‌هزینه‌تر است (Mearsheimer and Walt, 2016: 73). از این برداشت می‌توان نتیجه گرفت که یکی از شرایط اتخاذ این کلان‌راهبرد این است که رهبران سیاسی در آمریکا به هر دلیلی که هست به دنبال کاهش هزینه‌ها باشند. وقتی پول فراوان باشد، نیاز کمتری به احتیاط وجود دارد. شیوه اصلی این راهبرد در رسیدن به

1. Preponderance

2. Defensive and Offensive Realism

هدف کاهش هزینه، حداقل کردن استفاده از نیروی زمینی و تکیه بیشتر بر نیروی دریایی، هوایی، توانمندی‌های اطلاعاتی، تحریم‌های اقتصادی، حمله‌های سایبری و غیره است (Posen, 2014). فرنس استفان گادی^۱ ترکیبی از نیروی دریایی، هوایی، و بازدارندگی هسته‌ای را برای تحقق شرایط رویارویی با بحران در کلان‌راهبرد موازنه از راه دور کافی می‌داند (Gady, 2020). بر اساس آنچه گفته شد، لازم است برای پژوهش حاضر یک تعریف عملیاتی از موازنه از راه دور ارائه دهیم. درباره تعاریف عملیاتی موازنه از راه دور، دیدگاه‌های متفاوتی ارائه شده است. برای نمونه میزان فروش‌های نظامی خارجی شامل فروش سازویرگ‌های دولت به دولت، خدمات نظامی و آموزش‌های نظامی، می‌تواند شاخص‌های یک رفتار مبتنی بر کلان‌راهبرد موازنه از راه دور باشد، چراکه بر اساس آن شرکای منطقه‌ای و بازیگران مؤثر تقویت خواهند شد تا اهداف امریکا را تأمین کنند. همکاری‌های امنیتی هم می‌تواند یکی دیگر از شاخص‌های موازنه از راه دور باشد (McKay, 2019: 536). تقویت نیروی دریایی در قالب تخصیص بودجه بیشتر از سوی کنگره هم از شاخص‌های موازنه از راه دور است، چراکه قابلیت‌های فراتر از افق^۲ را تقویت می‌کند (Holmes and Yoshihara, 2012: 22). تلاش‌های دیپلماتیک را هم باید به این فهرست اضافه کرد. برای نمونه شمار روزهای ملاقات، اشاره به بازیگران بین‌المللی به‌عنوان تهدید یا متحد در اسناد راهبردی، اطمینان دادن و معتبر کردن بازدارندگی و تقویت همگرایی منطقه‌ای، مانند تقویت ناتو یا شورای همکاری خلیج فارس می‌تواند نمونه‌های تجربی و عملی از موازنه از راه دور باشد. تقویت نظارت‌های هسته‌ای هم باید بخشی از راهبرد موازنه از راه دور باشد. بر این اساس، به‌طور خلاصه، دو ویژگی را به‌طور مشترک می‌توان در همه نوشته‌ها یافت: الف) تأکید بر نیروی دریایی و هوایی، و حضور زمینی تنها در شرایط خاص و به‌طور موقت؛ ب) تفویض نقش‌ها و تسهیم هزینه‌ها میان بازیگران منطقه‌ای، دربرگیرنده هم‌پیمانان یا رقبا تحول را هم می‌توان در ابعاد مختلفی موردنظر قرار داد. یک جنبه آن طیف تهاجمی – تدافعی است. موازنه از راه دور می‌تواند آن‌طور که مرشایمر و والت می‌گویند، با یک رویکرد تهاجمی برای حفظ برتری ایالات متحده به‌کار گرفته شود (Mearsheimer and Walt, 2016: 72). یا آن‌طور که لین می‌گوید برای تأمین منافع ایالات متحده در شرایطی که ایالات متحده نمی‌تواند جلوی پیدایش یک قدرت بزرگ را در داخل یا خارج از حوزه نفوذ خود بگیرد (Layne, 1997: 113-114).

دوره گذار از کلان‌راهبرد چیرگی به موازنه از راه دور هم از زمینه‌های تحول در موازنه از راه دور است. اگر سایر کشورها آمادگی موازنه کردن با یک قدرت هژمونی‌طلب را نداشته

1. Franz-Stefan Gady
2. Over the Horizon Capabilities

باشند، لازم است تا ایالات متحده برای مدت طولانی‌تری توانمندی‌های نظامی خود را جهت درگیر شدن دوباره حفظ کرده و از دیپلماسی و کار اطلاعاتی برای رصد اوضاع استفاده کند. از سوی دیگر خروج امریکا از منطقه نباید آنقدر کند باشد که هم‌پیمانان احساس فوریت و ضرورت در تقویت توان نظامی خود نکنند. تفاوت در چنین برآوردی از عوامل تحول در موازنه از راه دور است. تندی یا کندی گذار از راهبرد چیرگی به موازنه از راه دور ممکن است سبب شود تا عملکرد امریکا در دوره گذار به انگیزه انزوا یا هژمونی منتسب شود، درحالی‌که در واقع هدف نهایی تنها مدیریت دوره گذار است. جنبه دیگر می‌تواند تفاوت تمرکز بر از راه دور بودن به جای موازنه بودن باشد (Blagden and Porter, 2021: 16). همچنین آن‌طور که پاتریک کالاهان^۱ سیاست خارجی امریکا را دسته‌بندی کرد، هدف از موازنه از راه دور می‌تواند هژمونیسیم به معنای رهبری امریکا به‌عنوان پیش‌شرط ثبات در جهان، حفظ موازنه قوا بر اساس منطق واقع‌گرایی، پرهیز از درگیر شدن در منطق انزواگرایی، یا همکاری بین‌المللی به‌منظور حل مسائل مشترک جهانی طبق منطق بین‌الملل‌گرایی لیبرال باشد (Callahan, 2017: 236-247). حال بر اساس طیف‌های تهاجمی/تدافعی، از راه دورتر شدن در مقابل موازنه‌تر بودن، و نیز دسته‌بندی کالاهان از منطق‌های سیاست خارجی امریکا، تحول در موازنه از راه دور در منطقه خلیج فارس بررسی خواهد شد.

۳. موازنه از راه دور در دوره جورج بوش، ۲۰۰۸-۲۰۰۱

روابط خارجی ایالات متحده در دوره نخست ریاست‌جمهوری جورج بوش تحت تأثیر حادثه یازده سپتامبر و در پیوند با رویکردهای نومحافظه‌کارانه به سمت هژمونیسیم تمایل پیدا کرد. اندکی پس از حمله‌های یازده سپتامبر، وزارت دفاع امریکا از طریق هیأت سیاستگذاری دفاعی^۲ یک طرح مخفی تهیه کرد و در آن پیشنهاد شد مالکیت میدان‌های نفتی عربستان با کاربرد زور در اختیار امریکا قرار گیرد و کنترل منطقه حجاز به خاندان هاشمی که رقیب خاندان سعودی بودند، منتقل شود. کنترل مکه و مدینه هم به یک کمیته چندملیتی از میانه‌روها و مسلمانان غیروهابی داده شود (Lacey, 2009: 288). اگرچه این طرح عملیاتی نشد، مطرح شدن آن نشان می‌دهد تا چه حد رویکرد هژمونیک، آرمانی و یکجانبه‌گرایی در هیأت حاکمه امریکا، به‌ویژه در وزارت دفاع که کانون اصلی تصمیم‌گیری در مورد بسیاری از امور خارجی ایالات متحده پس از یازده سپتامبر بود، وجود داشت.

در دور دوم ریاست‌جمهوری جورج بوش، اصلی‌ترین عامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی ایالات متحده در منطقه خلیج فارس تشدید ناآرامی‌ها در عراق بود. عراق در سال‌های ۲۰۰۵ و

1. Patrick Callahan
2. Defense Policy Board

۲۰۰۶ به کانون نزاع شیعه و سنی و رقابت ایران و کشورهای جنوب خلیج فارس تبدیل شد. پس از مدتی، دولت بوش به این نتیجه رسید که حل مسئله با یکجانبه‌گرایی یا شدنی نیست، یا بسیار پرهزینه‌تر و طولانی‌تر خواهد بود. در این زمینه نخستین دیدار رسمی بین مقامات ایران و آمریکا پس از قطع روابط دو کشور در ۱۹۷۹ در بغداد پایتخت عراق در ۲۰۰۸ و برای بررسی مسائل امنیتی عراق برگزار شد (Iran Team, 2008). چنین اقدامی می‌توانست موازنه را به نفع ایران و به زیان رقبای منطقه‌ای آن در خلیج فارس تغییر دهد. به نظر می‌رسد دولت جورج بوش در ماه‌های پایانی پی برد که بدون کمک از نیروهای داخل منطقه نمی‌تواند صلح و ثبات را برقرار کند، و برای ایجاد ثبات در عراق باید بین ایران و کشورهای عرب سنی خلیج فارس موازنه برقرار کند. انتخاب روبرت گیتس^۱ به سمت وزیر دفاع در دسامبر ۲۰۰۶ و تغییر جایگاه دفتر هماهنگ‌کننده بازسازی و ثبات در عراق از وزارت دفاع به وزارت امور خارجه نشانه‌هایی هستند از اینکه این تغییر فراتر از تغییر تاکتیکی است.

در این دو سال پایانی، کلان‌راهبرد ایالات متحده از «چیرگی» به سمت موازنه از راه دور بین ایران و کشورهای جنوبی خلیج فارس با هدف تحقق اهداف هژمونیک آمریکا تغییر کرد. هدف هژمونیک آمریکا در این مقطع تثبیت دموکراسی در عراق بود و برای رسیدن به این هدف از مؤلفه‌های منطقه‌ای حتی همراهی با ایران استفاده کرد. اگرچه دموکراسی در عراق به قدرت گرفتن گروه‌های شیعه طرفدار ایران منجر می‌شد و موازنه به نفع ایران در خلیج فارس در مقابل عربستان و کشورهای عرب خلیج فارس تغییر می‌کرد، ولی پذیرش نقش ایران در عراق به تغییر رویکرد کلی دولت بوش نسبت به جمهوری اسلامی نینجامید. دولت بوش از یک هدف هژمونیک دموکراسی‌سازی پیروی می‌کرد که در عراق مستلزم همراهی با جمهوری اسلامی و در داخل ایران مستلزم رویارویی با آن بود. برای نمونه نیروهای عملیات ویژه ایالات متحده با مجوز ریاست‌جمهوری از ۲۰۰۷ از جنوب عراق عملیات پنهانی فرامرزی در داخل ایران انجام می‌دادند. سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا و فرماندهی عملیات ویژه مشترک، حوزه و شدت عملیات را در ۲۰۰۸ توسعه دادند (Froomkin, 2008). بنابراین هدف راهبرد موازنه از راه دور در خدمت هژمونی ایالات متحده بود. این همان طیف تهاجمی/ تدافعی است که در بخش ادبیات نظری به آن اشاره شد. دولت بوش، برخلاف اوباما، با رویکرد تهاجمی از موازنه از راه دور استفاده می‌کرد.

۴. موازنه از راه دور در دوره اوباما، ۲۰۰۹-۲۰۱۶

در دوره اوباما، موازنه از راه دور، دچار تحول اساسی شد. باراک اوباما تحت تأثیر بحران مالی ۲۰۰۸ در پی یک سیاست خارجی کم‌هزینه، محدود و در عین حال یک رویکرد حداقلی در استفاده از نیروی نظامی بود. از همان ۲۰۰۹، دولت اوباما با استفاده گسترده از نیروی انسانی در جنگ و عملیات ثبات‌سازی که از ویژگی‌های مبارزه با تروریسم است، مخالف بود. او بیشتر بر رویکردهای هدفمندتر برای نابودی شبکه‌های تروریستی بدون ارسال نیروی زمینی گسترده تأکید می‌کرد و از شرکای منطقه‌ای می‌خواست نقش بیشتری ایفا کنند. اگرچه پس از هر جنگی هزینه‌های نظامی کاهش پیدا می‌کند، اولویت‌های سیاست‌های داخلی اوباما، تأثیر رکود بزرگ و میراث کسری بودجه‌های دوره جورج بوش بر شدت این کاهش افزود. قطبیت در فضای سیاسی داخل آمریکا با قانون کنترل بودجه ۲۰۱۱ شعله‌ورتر شد، به‌طوری‌که بودجه نظامی ۷۵۹ میلیارد دلاری آمریکا در ۲۰۱۰ به ۵۹۶ میلیارد دلار در ۲۰۱۵ رسید. نتیجه چنین کاهش چشمگیری خود را در میدان نبرد نشان داد. تکیه بیشتر بر پهپاد و نیروهای ویژه از نشانه‌های این تحول جدید بود (Brands, 2018: 26).

در دور دوم ریاست‌جمهوری اوباما، آمریکا کم‌کم از انزوای ناشی از مشکلات اقتصادی داخلی درآمد و حضور آن در منطقه بیشتر شد. از سوی دیگر مسائل خاورمیانه و خلیج فارس هم در این دوره به دلیل بهار عربی حساس‌تر شدند. ایالات متحده در این دوره بیشترین تلاش‌های دیپلماتیک را برای تعامل با ایران از خود نشان داد. دیدار رودرروی وزرای امور خارجه ایران و آمریکا در ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۳ یکی از نقاط عطف این تلاش‌ها بود که بالاترین سطح تماس میان دو کشور در طول چهار دهه پیش از آن به‌شمار می‌آمد (Borger, 2013). روز بعد از این دیدار رؤسای جمهور دو کشور برای نخستین‌بار با یکدیگر تلفنی صحبت کردند (Roberts and Borger, 2013). به‌نظر می‌رسد آمریکا برای ایجاد موازنه میان ایران و کشورهای هم‌پیمان خود در منطقه به‌منظور مهار ایران، راه دیپلماسی را انتخاب کرده است. تشدید همزمان تحریم‌ها علیه ایران وجه دیگر موازنه‌سازی از راه دور در منطقه خلیج فارس بود که با تضعیف ایران موجب قدرتمندتر شدن کشورهای عرب جنوب خلیج فارس به‌طور نسبی می‌شد.

در این دوره برخلاف سایر دوره‌ها روابط با عربستان پرتنش بود. عربستان نسبت به سیاست‌های اوباما به‌شدت ناراضی بود. بندر بن سلطان که ۲۲ سال سفیر عربستان در آمریکا بود و در ۲۰۱۳ ریاست دستگاه اطلاعاتی این کشور را بر عهده داشت، دلیل این نارضایتی را در سه مورد برشمرد: بی‌عملی واشنگتن در موضوع سوریه و فلسطین، نزدیکی ایالات متحده به ایران در موضوع هسته‌ای، و پشتیبانی نکردن واشنگتن از مداخله عربستان در بحرین.

افزون بر اینها، مداخله نکردن امریکا در سوریه پس از اینکه گفته شد اسد از سلاح شیمیایی علیه مخالفان استفاده کرده است، هم به این علت‌ها افزود (Saudi to Reassess, 2013). البته دولت اوباما تلاش کرد رضایت عربستان را کسب کرده و به‌طور مرتب درباره توافق هسته‌ای ایران با عربستان مشورت کند (Balluck, 2013)، ولی در عمل موفقیت چندانی حاصل نشد.

در این دوره سوریه به محل رقابت کشورهای منطقه خلیج فارس تبدیل شد. ایران و حزب الله لبنان از دولت بشاراسد، و قطر، عربستان و برخی دیگر از کشورهای منطقه از مخالفان او حمایت می‌کردند. جنگ داخلی سوریه در مارس ۲۰۱۱ آغاز شد. نخستین مداخله نظامی امریکا در سپتامبر ۲۰۱۴ رخ داد. همین تأخیر گویای بی‌میلی دولت اوباما به مداخله در خاورمیانه بود. افزون بر این، تمرکز اوباما بر مبارزه با داعش به‌جای سرنگونی بشاراسد نشانه‌ای دیگر بر بی‌علاقه بودن دولت او به تغییر موازنه به نفع متحدان ایالات متحده بود. نخستین حمله امریکا به داعش در سوریه در ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۴، به‌طور تلویحی با موافقت بشاراسد همراه بود و دولت سوریه اعلام کرد که امریکا پیشتر به دمشق درباره این حمله اطلاع داده بود. برای این کار امریکا با پنج کشور عرب منطقه از جمله قطر، بحرین، امارات و عربستان، که همگی رقبای منطقه‌ای ایران هستند، به‌همراه اردن نظامی ائتلاف تشکیل داد. اوباما در توضیح دلایل مبارزه با داعش عنوان کرد «هر کسی که برنامه‌ای برای حمله به امریکا دارد، باید بداند که ما هیچ پناهگاه امنی را برای تروریست‌هایی که مردم ما را تهدید می‌کنند، تحمل نخواهیم کرد» (Stewart and Perry, 2014). در واقع امنیت داخلی علت اقدام امریکا بود که تنها دلیل موجه برای مداخله خارجی از منظر انزوگرایی است. پیش از آن کاخ سفید اعلام کرده بود که هدف برخی از این حمله‌ها، گروه خراسان، از گروه‌های وابسته به القاعده بود که برای حمله به اهدافی در امریکا یا اروپا برنامه‌ریزی‌هایی کرده بودند (Stewart and Perry, 2014).

موضوع سلاح‌های شیمیایی، دور ماندن امریکا از بحران داخلی سوریه را دشوار می‌کرد. یک ماه پس از آنکه بشاراسد در جولای ۲۰۱۲ اعلام کرد سلاح شیمیایی دارد، باراک اوباما در واکنش گفت که استفاده از این سلاح‌ها خط قرمز اوست و عواقب سنگینی به‌همراه خواهد داشت (Houeix, 2018). یک سال بعد، در اوت ۲۰۱۳ در یک حمله شیمیایی در مناطقی در اطراف دمشق، ۱۴۰۰ نفر از جمله بیش از ۴۰۰ کودک کشته شدند (Houeix, 2018). کاخ سفید به‌طور رسمی، دولت سوریه را متهم کرد که این حمله از سوی آنها بوده است (White House, 2013). درحالی‌که همه منتظر پاسخ نظامی ایالات متحده بودند (Taddonio, 2015)، باراک اوباما مداخله نظامی را منوط به تأیید کنگره کرد، درحالی‌که الزام قانونی برای این کار نداشت. در نهایت تأیید کنگره صادر نشد. به‌نظر می‌رسید اوباما بیش از حل منازعه تلاش می‌کرد تا حد ممکن از آن دور بماند. یکی دیگر از نقاط عطف در این دوره، توافق هسته‌ای برجام در

جولای ۲۰۱۵ به منظور مهار برنامه هسته‌ای ایران بود که با مخالفت هم‌پیمانان منطقه‌ای امریکا، عربستان و اسرائیل همراه شد. به دنبال این توافق با تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ تمامی تحریم‌های پیشین شورای امنیت سازمان ملل متحد به حالت تعلیق درآمدند. رقبای ایران در منطقه در مورد نقش برجام در موازنه قوای منطقه‌ای تفسیرهای مختلفی می‌توان بکنند: برجام با آزاد کردن پول‌های مسدودشده و امکان فروش بیشتر نفت می‌تواند سبب تقویت بنیه مالی ایران و حضور منطقه‌ای گسترده‌تر آن شود، یا اینکه با ایجاد محدودیت بر برنامه هسته‌ای ایران موجب کاهش ظرفیت‌های راهبردی آن در مقابل آنها شود. مخالفت اسرائیل و عربستان با برجام گواهی است بر اینکه آنها تفسیر نخست را دارند. گرچه هدف اوپاما از موازنه از راه دور بیشتر بهره‌مندی از مزایای از «راه دور» بودن آن بود تا ایجاد «موازنه».

۵. موازنه از راه دور در دوره ترامپ

در دوره ترامپ خاورمیانه اهمیت سابق خود در سیاست خارجی امریکا را بازمی‌یابد. در این دوره سوریه همچنان محل رقابت منطقه‌ای کشورهای حوزه خلیج فارس بود. در آغاز ترامپ تمایل داشت بشاراسد را به یک شریک در مبارزه علیه تروریسم تبدیل کند و این می‌توانست به سود ایران در مقابل عربستان سعودی و قطر شود که از مخالفان اسد حمایت می‌کردند. با این حال وقتی در آوریل ۲۰۱۷ گفته شد بشاراسد از سلاح شیمیایی علیه غیرنظامیان استفاده کرده است (Houeix, 2018)، ترامپ دستور حمله موشکی به سوریه را صادر کرد. این حمله ۲۰ درصد توان نیروی هوایی سوریه را نابود کرد. دولت اسد و مخالفان گفتند پروازها از فرودگاه شیرات^۱ که هدف بمباران قرار گرفته بود، چند روز بعد از سر گرفته شد (Westcott, 2017)؛ به این معنی که ترامپ به دنبال تغییر رژیم در سوریه نبود و تنها می‌خواست موازنه را کمی به زیان بشاراسد و در واقع ایران تغییر دهد.

ترامپ دلایل این حمله را این‌گونه برشمرد: «جلوگیری یا بازدارندگی در برابر گسترش استفاده از سلاح‌های شیمیایی جزء امنیت ملی حیاتی امریکا است» و اینکه «سوریه تعهدات خود در قبال کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی را نقض کرده و نسبت به تقاضاهای شورای امنیت بی‌تفاوت بوده است» (Starr and Diamond, 2017). برخلاف اوپاما که امنیت داخلی امریکا را دلیل اقدام نظامی علیه داعش عنوان کرده بود، ترامپ به بازدارندگی و معرفی ایالات متحده به عنوان نگهبان هنجارهای بین‌المللی مانند کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی و تقاضاهای شورای امنیت اشاره می‌کند. با مقایسه این دو اظهارنظر می‌توان تحول در کلان‌راهبرد موازنه از راه دور را دید؛ یکی با هدف انزوا و دیگری با هدف هژمونیک. تفاوت هژمونی با سلطه در این است

1. Shayrat

که هژمونی افزون‌بر عناصر مادی، عناصر غیرمادی مانند عوامل هنجاری و ارزشی را هم شامل می‌شود (Cox, 1983: 172). در واقع سلطه غالب می‌شود، درحالی‌که هژمونی پذیرفته می‌شود. این پذیرش هم از راه تأمین کالای عمومی می‌تواند حاصل شود که نمونه آن پاسداری از هنجارهای بین‌المللی است. از این دید، اقدام دولت ترامپ تلاشی بود برای نمایش هژمونی امریکا بدون آنکه بخواهد با مداخله نظامی یکجانبه به دنبال سلطه باشد.^۱

یکی دیگر از اقدام‌های امریکا برای تغییر موازنه در خلیج فارس و مهار ایران کمپین فشار حداکثری ترامپ بود. در می ۲۰۱۸ امریکا از برجام خارج شد و ترامپ اعلام کرد خواهان توافق جدید با ایران است که موضوعات بیشتری را پوشش دهد، چراکه بر این باور بود توازنی که در نتیجه برجام ایجاد شده است، به ضرر امریکا بود و مسائلی مانند برنامه هسته‌ای ایران یا فعالیت‌های سایبری و حتی حقوق بشری را پوشش نمی‌داد (President Donald J. Trump, 2018). اگرچه موضوع حقوق بشر در ۱۲ شرطی که دو هفته بعد از سوی مایک پمپئو اعلام شد، کنار گذاشته شد (Mike Pompeo, 2018) که مطابق با توصیه‌های واقع‌گرایانه کلان‌راهبرد موازنه از راه دور است.

با تشدید تنش‌ها، در آوریل ۲۰۱۹ ایالات متحده، سپاه پاسداران را به فهرست گروه‌های تروریستی خود اضافه کرد که نه تنها مانع بزرگ بر سر راه دیپلماسی به عنوان یکی از ابزارهای ایجاد موازنه از راه دور شد، بلکه تنش‌های ناشی از آن نیاز به حضور امریکا در منطقه را بیشتر می‌کرد. برخلاف دوره اوباما، موازنه از راه دور در این دوره بیشتر از تمرکز بر «از راه دور بودن» به «موازنه‌تر» شدن تحول پیدا کرد. همان‌طور که بری پوزن گفت، راهبرد موازنه از راه دور تمرکز و سواس گونه بر منع اشاعه ندارد (Posen, 2014: 74-83). اهمیت کمتر منع اشاعه در کلان‌راهبرد موازنه از راه دور نسبت به کلان‌راهبرد چیرگی می‌تواند مؤید این نظر باشد که توافق هسته‌ای با ایران کمتر از مهار فعالیت‌های منطقه‌ای آن اهمیت دارد. چنین رویکردی به بازدارندگی می‌تواند توجیهی برای خروج دونالد ترامپ از برجام و تمرکز بر فعالیت‌های منطقه‌ای ایران باشد.

در ادامه، وقتی چهار کشتی تجاری شامل دو نفت‌کش شرکت آرامکو سعودی در ۲۰۱۹ در بندر فجیره دچار حادثه شدند (Trevithick, 2019) و وقتی گزارش‌هایی منتشر شد که ادعا می‌کرد ایران یا گروه‌های نیابتی آن ممکن است نیروهای امریکایی یا جریان نفت در تنگه هرمز را تهدید کنند، ایالات متحده تصمیم می‌گیرد به منظور مهار ایران امکانات نظامی بیشتری به

۱. شایان توضیح است که این پذیرش میان کشورهای ایجاد می‌شود که در حوزه هژمونی قرار دارند و چنین اقدام‌هایی هیچ‌گاه مورد پذیرش کشورهای خارج از آن قرار نخواهد گرفت.

منطقه ارسال کند. از جمله آنها ناو هواپیمابر یواس اس آبراهام لینکلن از کلاس نیمیتز^۱ (DeYoung and Ryan, 2009)، جت‌های جنگی ایگل اف ۱۵سی (Air Forces Central, 2019)، بمب‌افکن‌های بی ۵۲، کشتی‌های آبی خاکی (Trevithick, 2019)، کشتی ترابری یواس اس آرلینگتن و سامانه دفاعی پاتریوت (Brook, 2019) بود. اگرچه افزایش توان دریایی ایالات متحده منافاتی با راهبرد موازنه از راه دور ندارد، ولی این تقویت نیروی دریایی بیشتر بر ایجاد موازنه تمرکز دارد تا بر از راه دور شدن.

در ژوئن ۲۰۱۹، وقتی برای دومین بار به نفت‌کش‌ها حمله شد، امریکا هزار نیروی جدید به خلیج فارس فرستاد (Gulf Crisis, 2019). این میزان از حضور به نظر می‌آید که خلاف اصول کلان‌راهبرد موازنه از راه دور است، مگر اینکه باور تصمیم‌گیران در دستگاه سیاست خارجی دولت ترامپ این باشد که هم‌پیمانان امریکا در حفظ موازنه ناتوان‌اند، یا نمی‌خواهند مطابق سیاست‌های ایالات متحده در مهار ایران عمل کنند. در همان ماه، پمپئو در سفری کوتاه به بروکسل از وزرای امور خارجه کشورهای اروپایی خواست تا علیه ایران با ایالات متحده همراه شوند (Birnbbaum and Sly, 2019). این در حالی بود که همان موقع شرکای اروپایی ایالات متحده دور هم گرد آمده بودند تا گفت‌وگوهای هسته‌ای با تهران را زنده نگه‌دارند و امریکا و ایران را متقاعد کنند تا سطح تنش‌ها را کاهش دهند. گزارش‌هایی هم وجود داشت که بنیامین نتنیا‌هو، نخست‌وزیر وقت اسرائیل تمایلی ندارد در تنش‌های میان ایران و امریکا درگیر شود (Britain Warns, 2019). این می‌تواند توجیه‌کننده حضور بیشتر نیروهای امریکایی بر اساس شرایط خاص پیش‌بینی‌شده در کلان‌راهبرد موازنه از راه دور باشد.

یکی دیگر از موارد تنش میان ایران و امریکا سرنگون کردن پهپاد شناسایی گلوبال هاک آرکیو-۱۴^۲ با موشک زمین به هوا از سوی ایران بود. در پاسخ به این حادثه، ترامپ در ۲۲ جون دستور یک حمله سایبری به فرماندهی سپاه پاسداران را که مسئولیت کنترل شلیک راکت و موشک را داشت، صادر کرد (Nakashima, 2019). در اقدامی دیگر رهبر ایران تحریم و میلیاردها دلار از دارایی‌های ایران بلوکه شد. همچنین محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه وقت ایران، در فهرست سیاه قرار گرفت (Latest Sanctions, 2019). افزون‌بر اینها، در ۲۸ جون ایالات متحده برای نخستین‌بار جنگنده‌های نسل پنجمی اف ۲۲ رپتور را در پایگاه خود در العدید قطر مستقر کرد (Pawlyk, 2019). استفاده از حمله‌های سایبری، تحریم‌ها و تقویت توانمندی‌های ماورای افق مانند نیروی هوایی می‌تواند نشان‌دهنده کاربست کلان‌راهبرد موازنه از راه دور برای مهار ایران باشد.

1. Nimitz-class

2. RQ-4A

در اتفاق مهم دیگری در ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۹، ۲۵ موشک و پهپاد به دو پالایشگاه بقیق^۱ و خوریرص^۲ در شرق عربستان حمله کردند. از آنجایی که به ادعای دونالد ترامپ ایران پشت این حمله قرار داشت، انتظار می‌رفت برای برگرداندن موازنه دست به اقدام‌هایی هرچند از راه دور بزند. او در آغاز تصریح کرد که جنگ نمی‌خواهد، ولی اگر قرار باشد اقدام نظامی صورت گیرد، بخشی از هزینه‌های آن را باید عربستان سعودی بپردازد و پاسخ احتمالی آمریکا هم در صورت وقوع متناسب خواهد بود (Neuman and et al., 2019). در عین حال آمریکا برای محافظت از منابع نفتی عربستان، سامانه پاتریوت به‌همراه ۲۰۰ نفر به عربستان ارسال کرد و وعده ارسال دو سامانه پاتریوت دیگر و یک سامانه تاد^۳ هم به عربستان داده شد (Macias, 2019). خودداری از جنگ تا اندازه ممکن، تسهیم هزینه در صورت نیاز به مداخله، و تقویت توانمندی‌های ماورای افق همگی مطابق با کلان‌راهبرد موازنه از راه دور است.

۶. نتیجه

همان‌طور که گفته شد کلان‌راهبرد «موازنه از راه دور» راه‌هایی را برای رسیدن به اهداف سیاست خارجی معرفی می‌کند که هزینه‌های آمریکا را کاهش می‌دهد. بررسی تعارف مختلف از این کلان‌راهبرد نشان می‌دهد که اتکا به بازیگران منطقه‌ای و استفاده از توانمندی‌های ماورای افق هسته اصلی این مفهوم راهبردی را تشکیل می‌دهد. بر این اساس بررسی سیر زمانی رویدادهای مرتبط با سیاست خارجی آمریکا در خلیج فارس نشان داد در مورد هر سه رئیس‌جمهور نشانه‌هایی از موازنه از راه دور وجود دارد، ولی هدف از به‌کارگیری این راهبرد در هر مورد متفاوت بود. اگرچه در دوره نخست ریاست‌جمهوری جورج بوش نشانه‌ای از موازنه از راه دور مشاهده نشد، ولی در دو سال پایانی دور دوم ریاست‌جمهوری وی، با عیان شدن شکست‌ها در عراق، به‌نظر می‌رسد دولت آمریکا با مذاکره با ایران به‌عنوان یکی از بازیگران مهم منطقه‌ای از راهکارهای توصیه‌شده در موازنه از راه دور برای حل مسئله استفاده می‌کرد. این نگاه واقع‌گرایانه به تثبیت هژمونی ایالات متحده در عراق از راه ایجاد ثبات در دموکراسی ساخته‌شده از سوی آمریکا کمک می‌کرد. بنابراین به‌طور کلی می‌توان گفت راهبرد موازنه از راه دور این قابلیت را دارد که با هدف حفظ و تحکیم هژمونی به‌کار رود و این یعنی می‌تواند مطابق با منطق هژمونیکم کالاهان باشد.

موازنه از راه دور در دوره اوباما با هدف «خویشن‌داری» به اجرا درآمد که مشابه مفهوم احتیاط در واقع‌گرایی است، به‌طوری‌که خویشن‌داری از نظر پوزن معادل همان موازنه از راه

1. Abqaiq

2. Khurais

3. Terminal High Altitude Area Defense (THAAD)

دور است (Posen, 2014: 63). وضعیت اقتصادی نامناسب ایالات متحده پس از بحران مالی ۲۰۰۸ و ناتوانی امریکا از کنار کشیدن از خاورمیانه به شکلی آبرومند که بتواند منافع امریکا را هم تأمین کند، سبب شد تا تنها گزینه ممکن از بین طرح‌های گوناگون کلان‌راهبرد، گزینه موازنه از راه دور باشد. همان عوامل هم سبب شدند تا دولت اوباما بیشتر بر «از راه دور بودن» تأکید کند تا «ایجاد موازنه». به همین دلیل شاید به انزوگرایی شباهت بیشتری داشته باشد تا بین‌المللی‌گرایی لیبرال. با وجود بهبود نسبی وضع اقتصادی امریکا در دور دوم ریاست‌جمهوری اوباما و کاهش وابستگی امریکا به خاورمیانه در نتیجه عملیاتی شدن طرح‌های استخراج نفت شل، این سیاست در دور دوم ریاست‌جمهوری اوباما همچنان پابرجا ماند. با مقایسه دور دوم بوش و اوباما می‌توان نتیجه گرفت که حتی در صورت تغییر شرایط زیربنایی، تغییر در سیاست‌ها به همان اندازه نخواهد بود و این نشان‌دهنده مقاومت در برابر تغییر (اینرسی)^۱ در تصمیم‌گیری است که سبب خواهد شد تا تحول کندتر از آنچه به‌طور منطقی انتظار می‌رود، اتفاق افتد. بنابراین تحول در کلان‌راهبرد کمابیش به‌دلیل همین اینرسی کمتر از آنچه هست، مشاهده‌شدنی خواهد بود.

با این حال، در دور دوم اوباما، امریکا از راه دو شرط موازنه از راه دور، یعنی الف) تأکید بر توانمندی‌های ماورای افق، که در این دور، تحریم‌ها را شامل می‌شد، و ب) کمک هم‌پیمانان و شرکا، که در مورد اوباما، اروپایی‌ها را در برمی‌گرفت، تلاش کرد تا از راه برجام، معماری امنیتی جدیدی ایجاد کند که بر آن پایه ایران نخواهد نیت دشمنانه‌ای نسبت به منافع امریکا در منطقه داشته باشد، حتی اگر بتواند و این از منظر واقع‌گرایی تدافعی امنیت‌آفرین است. رفتار امریکا در این دوره این برداشت را به‌وجود می‌آورد که راهبرد موازنه از راه دور در ترکیبی از منطق انزوگرایی و بین‌المللی‌گرایی لیبرال تفسیرشدنی است. در دوره ترامپ در مقایسه با دوره اوباما، به‌نظر می‌رسد موازنه از راه دور در چارچوب واقع‌گرایی تهاجمی اعمال شد. در واقع‌گرایی تهاجمی امکان اطمینان یافتن از نیت‌های طرف مقابل وجود ندارد و تلاش برای هژمون شدن بی‌وقفه ادامه دارد (Dunne and et al., 2013: 79). در این دوره امریکا به کمک توانمندی‌های ماورای افق شامل نیروی هوایی و دریایی و کمک هم‌پیمانان و شرکا شامل اسرائیل و عربستان، اقدام به مهار ایران کرد، به‌جای آنکه از راه دیپلماسی به‌دنبال تغییر نیت‌ها در ایران باشد. بنابراین می‌توان گفت موازنه از راه دور در دوره ترامپ بیشتر در چارچوب منطق واقع‌گرایی پاتریک کالاهان قابل تفسیر است. بنابراین فرضیه پژوهش تأیید می‌شود و این نتیجه را به‌همراه دارد که موازنه از راه دور به‌عنوان یک راهبرد می‌تواند برای پیگیری اهداف متفاوتی به‌کار رود، ولی در هر مورد بر اساس ویژگی‌های هدف مدنظر ترکیب متفاوتی از

1. Inertie

مؤلفه‌های آن مانند مداخله‌گری یا محافظه‌کاری در اعزام نیرو، دورتر یا نزدیک‌تر شدن به منطقه، تهاجمی یا تدافعی شدن درک از دشمن، و هنجاری یا منفعت‌محوری نتایج مورد انتظار از مداخله به‌کار گرفته شود.

قدردانی

لازم است از معاونت پژوهشی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و داوران محترم فصلنامه سیاست دانشگاه تهران بابت همکاری و همفکری ایشان قدردانی نمایم.

بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد؛ و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را که شامل پرهیز از سرقت ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک‌بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره می‌شوند، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

References

1. Air Forces Central Command Public Affairs. (2019). "Eagles Move as Part of Dynamic Force Deployment," US Air Force Website (afcent.af.mil). Available at: <https://www.afcent.af.mil/News/Article/1843765/eagles-move-as-part-of-dynamic-force-deployment> (Accessed 12 May 2023).
2. Balluck, K. (2013). "Obama, Saudi King to 'Consult Regularly' on Iran," The Hill. Available at: <https://thehill.com/policy/international/191634-obama-saudi-king-to-consult-regularly-on-iran> (Accessed 12 May 2023).
3. Birnbaum, M; Sly, L. (2019). "Pompeo Crashes Brussels Meeting of EU Diplomats but Changes Few Minds on Iran," Washington Post. Available at: https://www.washingtonpost.com/world/europe/pompeo-crashes-brussels-meeting-of-eu-diplomats-for-iran-talks/2019/05/13/7cb68214-7337-11e9-9331-30bc5836f48e_story.html (Accessed 11 May 2023).
4. Blagden, D; Porter, P. (2021). "Desert Shield of the Republic? A Realist Case for Abandoning the Middle East," Security Studies 30, 1; 5-48, <DOI: 10.1080/09636412.2021.1885727>.
5. Borger, J. (2013). "Breakthrough Hailed as US and Iran Sit Down for Nuclear Deal Discussion," Guardian. Available at: <https://www.theguardian.com/world/2013/sep/27/us-iran-nuclear-deal-discussion> (Accessed 2 June 2023).
6. Brands, H. (2018). American Grand Strategy in the Age of Trump. Washington, D.C.: Brookings Institution Press.
7. "Britain Warns US-Iran Conflict May Break out 'by Accident'," (2019). TRT World. Available at: <https://www.trtworld.com/europe/britain-warns-us-iran-conflict-may-break-out-by-accident-26599> (Accessed 12 May 2023).

8. Brook, T.V. (2019). "Pentagon Bolsters Force in Middle East with Marines and Missiles to Confront Iran," USA Today News. Available at: <https://www.usatoday.com/story/news/politics/2019/05/10/pentagon-marines-patriot-missiles-added-force-confronting-iran/1169210001> (Accessed 11 May 2023).
9. Callahan, P. (2017). Mantegh-e siyāsāt-e khāreji-ye amricā: nazariyeh'hā-ye naghsh-e Jahāni-ye amricā, Logics of American Foreign Policy: Theories of America's World Role, trans. Davood Qarayaq Zandi, et al. Tehran: Research Institute of Strategic Studies. **[In Persian]**
10. Cox, R.W. (1983). "Gramsci, Hegemony and International Relations: An Essay in Method," Millennium 12, 2: 162–175, <DOI: 10.1177/03058298830120020701>.
11. DeYoung, K; Ryan, M. (2009). "In Message to Iran, White House Announces New Military Assets in Middle East," Washington Post. Available at: https://www.washingtonpost.com/world/national-security/in-message-to-iran-white-house-announces-new-military-assets-in-middle-east/2019/05/05/7d7381d8-6f9b-11e9-8be0-ca575670e91c_story.html (Accessed 11 May 2023).
12. Dunne, T; and et al., eds. (2013). International Relations Theories. Discipline and Diversity. Oxford: Oxford University Press, 3rd ed.
13. Froomkin, D. (2008). "Cheney's Fingerprints," Washington Post. Available at: <https://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/blog/2008/06/30/BL2008063000719.html?hpid=opinionsbox1> (Accessed 11 May 2023).
14. Gady, F.S. (2020). "How the 1952 Republican Primary Killed Offshore Balancing," National Interest. Available at: <https://nationalinterest.org/feature/how-1952-republican-primary-killed-offshore-balancing-147771> (Accessed 13 June 2022).
15. "Gulf Crisis: US Sends more Troops amid Tanker Tension with Iran," (2019). BBC News (bbc.com). Available at: <https://www.bbc.com/news/world-us-canada-48671319> (Accessed 11 May 2023).
16. Hemmer, C. (2015). "Conclusion: Balancing the Pendulum? The Past and the Future of U.S. Grand Strategy," in American Pendulum: Recurring Debates in U.S. Grand Strategy. Ithaca, NY: Cornell University Press, 173-186.
17. Holmes, J; Yoshihara, T (2012). "An Ocean Too Far: Offshore Balancing in the Indian Ocean," Asian Security 8, 1: 1-26, <DOI: 10.1080/14799855.2011.652025>.
18. Houeix, R. (2018). "A History of the Syria Chemical Weapons 'Red Line,'" France 24. Available at: <https://www.france24.com/en/20180414-syria-chemical-weapons-red-line-obama-macron-assad-russia-usa-france-idlib> (Accessed 2 June 2023).
19. "Iran Team in Iraq for Security Talks with U.S.: Report," (2008). Reuters. Available at: <https://www.reuters.com/article/us-iraq-iran-usa-idUSDAH53939220080305> (Accessed 11 May 2023).
20. Kegley, C.W.; Blanton S.L. (2010). World Politics: Trend and Transformation. Boston MA: Wadsworth Cengage Learning.

21. Kitchen, N. (2020). "Why American Grand Strategy Has Changed: International Constraint, Generational Shift, and the Return of Realism," *Global Affairs* 6, 1: 87-104, <DOI: 10.1080/23340460.2020.1734957>.
22. Lacey, R. (2009). *Inside the Kingdom. Kings, Clerics, Modernists, Terrorists, and the Struggle for Saudi Arabia*. New York: Viking.
23. "Latest Sanctions on Iran will Block 'Billions' in Assets: US," (2019) *France 24*. Available at: <https://www.france24.com/en/20190624-latest-sanctions-iran-will-block-billions-assets-us> (Accessed 12 May 2023).
24. Layne, C (1997). "From Preponderance to Offshore Balancing: America's Future Grand Strategy," *International Security* 22, 1: 86-124, <DOI: 10.2307/2539331>.
25. Layne, C (2009). "America's Middle East Grand Strategy after Iraq: The Moment for Offshore Balancing has Arrived," *Review of International Studies* 35, 1: 5-25, <DOI:10.1017/S0260210509008304>.
26. Macias, A. (2019). "Pentagon to Deploy Patriot Missile System to Saudi Arabia after Iran Oil Attacks," *CNBC* (cnbc.com). Available at: <https://www.cnb.com/2019/09/26/patriot-missile-system-to-saudi-arabia-after-iran-oil-attacks.html> (Accessed 27 July 2023).
27. McKay, J. (2019). "How Transatlantic is the Trump Administration?" *Journal of Transatlantic Studies* 17, 4: 532-553, <DOI: 10.1057/s42738-019-00030-0>.
28. Mearsheimer, J; Walt, S.M. (2016). "The Case for Offshore Balancing. A Superior U.S. Grand Strategy," *Foreign Affairs*. Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/united-states/2016-06-13/case-offshore-balancing> (Accessed 17 Sep 2020).
29. "Mike Pompeo Speech: What are the 12 Demands Given to Iran?" (2018). *Aljazeera* (aljazeera.com). Available at: <https://www.aljazeera.com/news/2018/5/21/mike-pompeo-speech-what-are-the-12-demands-given-to-iran> (Accessed 3 June 2023).
30. Nakashima, E. (2019). "Trump Approved Cyber-Strikes Against Iranian Computer Database Used to Plan Attacks on Oil Tankers," *Washington Post*. Available at: https://www.washingtonpost.com/world/national-security/with-trumps-approval-pentagon-launched-cyber-strikes-against-iran/2019/06/22/250d3740-950d-11e9-b570-6416efdc0803_story.html (Accessed 11 May 2023).
31. Neuman, S; and et al. (2019). "Attack on Saudi Oil Facilities Makes Oil Prices Spike," *NPR* (npr.org). Available at: <https://www.npr.org/2019/09/16/761118726/oil-prices-jump-following-drone-attack-on-saudi-oil-facility> (Accessed 27 July 2023).
32. Nye, J.S. (2006). "Transformational Leadership and U.S. Grand Strategy," *Foreign Affairs* 85, 4: 139-148, <DOI: 10.2307/20032047>.
33. Pawlyk, O. (2019). "F-22s Deploy to Qatar for the First Time amid Iran Tensions," *Military.com*. Available at: <https://www.military.com/daily-news/2019/06/28/f-22s-deploy-qatar-first-time-amid-iran-tensions.html> (Accessed 12 May 2023).
34. Porter, P. (2018). "Why America's Grand Strategy Has Not Changed: Power, Habit, and the U.S. Foreign Policy Establishment," *International Security* 42, 4: 9-46, <DOI: 10.1162/ISEC_a_00311>.

35. Posen, B. (2014). *Restraint. A New Foundation for U.S. Grand Strategy*. Ithaca: Cornell University Press.
36. "President Donald J. Trump is Ending United States Participation in an Unacceptable Iran Deal," (2018). Trump White House Archive. Available at: <https://trumpwhitehouse.archives.gov/briefings-statements/president-donald-j-trump-ending-united-states-participation-unacceptable-iran-deal/>, (Accessed 3 June 2023).
37. Priebe, M; and et al. (2021). *Implementing Restraint: Changes in U.S. Regional Security Policies to Operationalize a Realist Grand Strategy of Restraint*. Santa Monica, CA: RAND. Available at: https://www.rand.org/pubs/research_reports/RRA739-1.html (Accessed 29 November 2023).
38. Prifti, B. (2017). *US Foreign Policy in the Middle East, the Case for Continuity*. Cham, Switzerland: Palgrave Macmillan.
39. Roberts, D; Borger, J. (2013). "Obama Holds Historic Phone Call with Rouhani and Hints at End to Sanctions," *Guardian*. Available at: <https://www.theguardian.com/world/2013/sep/27/obama-phone-call-iranian-president-rouhani> (Accessed 2 June 2023).
40. "Saudi to Reassess Relations with US: Report," (2013). *Aljazeera.com*. Available at: <https://www.aljazeera.com/news/2013/10/23/saudi-to-reassess-relations-with-us-report> (Accessed 2 June 2023).
41. Starr, B; Diamond, J. (2017). "Trump Launches Military Strike against Syria," *CNN* (web.archive.org). Available at: <https://web.archive.org/web/20170407021906/http://edition.cnn.com/2017/04/06/politics/donald-trump-syria-military/index.html> (Accessed 2 June 2023).
42. Stewart, P; Perry, T. (2014). "U.S. and Arab Allies Launch First Strikes on Militants in Syria," *Reuters*. Available at: <https://www.reuters.com/article/us-syria-crisis-usa-strikes-idUSKCN0H103A20140923> (Accessed 2 June 2023).
43. Taddonio, P. (2015). "The President Blinkled": Why Obama Changed Course on the "Red Line" in Syria," *PBS*. Available at: <https://www.pbs.org/wgbh/frontline/article/the-president-blinked-why-obama-changed-course-on-the-red-line-in-syria> (Accessed 2 August 2023).
44. Trevithick, J. (2019). "U.S. Government Claims Iran Is Behind Attacks on Oil Tankers, But Has Yet to Show Evidence," *The Drive*. Available at: <https://www.thedrive.com/the-war-zone/27992/u-s-government-claims-iran-is-behind-attacks-on-oil-tankers-but-has-yet-to-show-evidence> (Accessed 11 May 2023).
45. Walt, S.M. (2020). "The United States Forgot Its Strategy for Winning Cold Wars," *Foreign Policy*. Available at: <https://foreignpolicy.com/2020/05/05/offshore-balancing-cold-war-china-us-grand-strategy> (Accessed 13 June 2022).
46. Westcott, B. (2017). "US Missile Strike Took out 20% of Syria's Air Force, Mattis Claims," *CNN*. Available at: <https://edition.cnn.com/2017/04/11/politics/syria-mattis-trump-strike-damage> (Accessed 2 June 2023).

47. White House. (2013). "Government Assessment of the Syrian Government's Use of Chemical Weapons on August 21, 2013," Obama White House Archives. Available at: <https://obamawhitehouse.archives.gov/the-press-office/2013/08/30/government-assessment-syrian-government-s-use-chemical-weapons-august-21> (Accessed 8 August 2023).

COPYRIGHTS

©2023 by the University of Tehran. Published by the University of Tehran Press.

This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>



